



جهانی شدن و زنان روستایی

- یوسف حجازی^۱
- فرهاد لشگرآرا^۲

چکیده

بررسی و تعیین موقعیت هر موضوع و یا پدیده‌ای بدون ارتباط آن با محیط پیرامون خویش امکان پذیر نمی‌باشد. بعبارت دیگر پی بردن به ویژگی‌ها و قابلیت‌های هر موضوع، در گرو بررسی سیستماتیک و تعاملی این پدیده با شرایط و مسایل بیرونی خویش می‌باشد. موقعیت زنان روستایی در بستر جهانی شدن نیز از این پدیده مستثنی نمی‌باشد، پس برای شناخت مطلوب این موضوع، باید زنان روستایی را در تعامل با دیگر عوامل و فرآیندها بررسی کرد. یکی از این مسایل بسیار مهم و جالب توجه، فرآیند جهانی شدن می‌باشد که نه تنها بر موقعیت و نقش زنان روستایی تأثیر گذاشته است بلکه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز اثرات آن مشهود می‌باشد. لذا بررسی و شناخت شرایط حاکم بر زنان روستایی در این عرصه مرهون شناخت و درک فرآیند جهانی شدن می‌باشد. بنابراین، ابتدا بایست به بررسی مفهوم و تعاریف جهانی شدن، علل جهانی شدن، ابعاد و اجزای جهانی شدن و اثرات آن بر چهار حوزه مزبور پرداخت سپس در ادامه به بررسی موقعیت زنان در روند جهانی شدن پرداخته شود. همه این مقدمات اساسی را جهت درک، شناخت و تجزیه و تحلیل اثرات جهانی شدن بر زنان روستایی، تأثیرات جهانی شدن بر زنان روستایی و چالش‌های پیش روی آنان در این جریان تدارک می‌بینند و دست آخر به نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی مختصر بسنده می‌شود.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، زنان روستایی

- ۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران

جهانی شدن، موضوع داغ این روزهاست. امروزه در روزنامه‌ها، نشریات، مجلات و کتب موضوعی و تخصصی و مقالات، بحث‌های زیادی پیرامون جهانی شدن و اثرات آن بر حیطه‌های مختلف مطرح می‌شود. اما آنچه مسلم است اینکه هر کدام از نویسندگان و صاحب‌نظران، فراخور رشته تخصصی خود به این مسأله پرداخته و آنرا نقد و واکاوی کرده‌اند. دیدگاه‌های زیادی نسبت به جهانی شدن وجود دارد. عده‌ای جهانی شدن را بعنوان دارویی برای تمام نیازهای جامعه تلقی می‌کنند و برخی نیز از آن، صرفاً بعنوان آخرین مرحله تعدی و تسهیم سرمایه‌داری بر طبقه کارگر یاد می‌کنند (کوسما، ۱۳۷۸). جهانی شدن پدیده‌ای است که طبعاً به مانند هر تغییر اجتماعی - اقتصادی دیگر، پیامدهای مثبت و منفی خاص خود را به همراه دارد و بگونه‌ای وسیع و جهان‌شمول تمامی مسایل، پدیده‌ها و فرایندها را بصورت جدی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. یکی از بخش‌هایی که شدیداً از جهانی شدن تأثیر می‌پذیرد بخش کشاورزی بطور اعم و زنان روستایی بطور اخص می‌باشد. بخش کشاورزی یکی از بخش‌های مهم اقتصادی کشور است که تأمین کننده حدود یک سوم اشتغال، بیش از چهار پنجم نیازهای غذایی کشور، نیمی از صادرات غیرنفتی و یک پنجم تولید ناخالص داخلی کشور است (لهسای زاده، ۱۳۷۴). زنان نقش بسیار مهمی را در این راستا ایفاء می‌کنند. با این وجود مشاهده می‌شود که نقش زنان در این فرآیند آنچنان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است، از سوی دیگر زنان روستایی در حال حاضر با محدودیت‌های بسیار مواجه‌اند و این امر هنگامی ملموس‌تر می‌شود که بخواهیم دورنمایی از وضعیت آتی روستایی علی‌الخصوص در بستر "جهانی شدن" ترسیم بنمائیم.

جهانی شدن بر چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار می‌باشد. زنان روستایی چه بخواهند و چه نخواهند تحت تأثیر این جریان عظیم قرار می‌گیرند. پس شایسته‌تر اینست، قبل از اینکه زنان روستایی با محدودیت‌ها و چالش‌های بمراتب جدی‌تر از گذشته مواجه شوند پیشاپیش به این مسأله بپردازیم و لازمه این کار همانا درک درست از جهانی شدن و اثرات آن بر زنان روستایی در بستر و روند جهانی شدن می‌باشد. **اهمیت و ضرورت مسأله:**

زنان روستایی بعنوان تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، پرورش‌دهندگان مولدان آینده، مؤثر در تصمیم‌گیری خانواده، مدیران داخلی منزل و اعضای مؤثر در روند توسعه روستایی نقش و جایگاهی ویژه در فرآیند توسعه هر جامعه‌ای دارند. که بی‌توجهی به نیازهای آنان بعنوان کشاورزان، تولیدکنندگان و تبدیل‌کنندگان محصولات کشاورزی ضربه زیادی به منافع ملی کشورهای آنان می‌زند. این امر از آنجا اهمیت بیشتری به خود می‌گیرد که در عرصه جهانی شدن کشورهایی از گردونه رقابت‌ها سرفراز بیرون می‌آیند که از نیروی انسانی توانمند و آگاه برخوردار باشند. زنان اعم از شهری و روستایی نیز بعنوان نیمی از منابع انسانی می‌توانند نقش بسیار مهم و کارسازی را در این عرصه ایفا کنند.

روش بررسی

این تحقیق یک پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی بحساب می‌آید که منابع اطلاعاتی آن با بهره‌گیری از منابع موجود در ذخائر انتشاراتی تهیه و تدوین شده و علاوه بر آن، مبانی اصلی و چارچوب نظری ارائه شده با برداشت‌ها و تحلیل‌های شخصی تلفیق و ادغام شده است.

جهانی شدن: تعاریف

در خصوص جهانی شدن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که هر یک بر وجهی متمرکز شده‌اند. یکی از این دیدگاه‌ها، جهانی شدن را مفهومی می‌شناسد که دلالت بر "بهم فشردن" جهان در دو بعد زمان و مکان و کوچکتر گردیدن آن دارد. جهانی شدن به معنای شکوفایی و بسط و گسترش جوامع و نهادهای مدنی و تعمیق وابستگی متقابل و همه جانبه شدن آن است. آنتونی مک گرو در تعریف جهانی شدن می‌گوید: در جهانی شدن الگوی فعالیت مختلف بشری بسوی فرا قاره‌ای و بین منطقه‌ای شدن در حرکت است. وی همچنین معتقد است جهانی شدن در تمام حوزه‌های زندگی مدرن در ابعاد مختلف ظهور و بروز دارد. از اینرو جهانی شدن یک فرآیند چند بعدی است (قریب، ۱۳۸۰). جهانی شدن دارای طبیعتی سه گانه است. به دیگر سخن، جهانی شدن محدود به حوزه اقتصاد نبوده و تغییرات اجتماعی و سیاسی نظیر پذیرش عام دموکراسی و تکثرگرایی بعنوان نظام‌های سیاسی مطلوب و نیز حرکت بسوی آزادی بیشتر فردی و تصمیم‌گیری غیرمتمرکز را شامل می‌شود (Schwettmann, 2001). "ولکر" و "گرامان" جهانی شدن را بعنوان فرآیند بهم وابستگی فزاینده میان بازارها و نواحی جغرافیایی، وابستگی متقابل و نابود شدن مرزهای ملی بین نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌داند (Wulker & Graumann, 2000). "مارتین آلبرو" جهانی شدن را به فرایندهایی که بر اساس آن همه مردم جهان در جامعه‌ای واحد و فراگیر بهم می‌پیوندند، تعریف می‌کند. امانوئل ریشتر نیز جهانی شدن را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که در چارچوب آن



بررسی و تعیین موقعیت هر موضوع و یا پدیده‌ای بدون ارتباط آن با محیط پیرامون خویش امکان‌پذیر نمی‌باشد، بعبارت دیگر پی بردن به ویژگی‌ها و قابلیت‌های هر موضوع، در گرو بررسی سیستماتیک و تعاملی این پدیده با شرایط و مسایل بیرونی خویش می‌باشد.





اجتماعاتی که پیش از آن در کره خاکی دور افتاده و منزوی بوده‌اند، بر پایه وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند. جهانی شدن به اختصار عبارتست از رقابت بی‌قید و شرط در سطح جهانی (کومسا، ۱۳۷۸). ایران‌زاده (۱۳۸۰) معتقد است که مفهوم جهانی شدن در متون علوم اجتماعی بعنوان ابزاری تحلیلی برای توصیف روندهای تغییر در زمینه‌های گوناگون ظاهر شده است. در واقع جهانی شدن یک روند مستمر و مداوم است و با استفاده از شاخص‌های کمی و کیفی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ارتباطات می‌توان آنرا مورد مطالعه قرار داد (ایران‌زاده، ۱۳۸۰).

تاریخچه جهانی شدن

کاربرد اصطلاح جهانی شدن به دو کتاب برمی‌گردد که در سال ۱۹۷۰ نشر شد. کتاب اول نوشته مارشال مک لوهان تحت عنوان "جنگ و صلح در دهکده جهانی" است. مک لوهان با نظریه دهکده جهانی خود این نکته را گوشزد می‌کند که ارتباط افراد جهانی با یکدیگر بسیار نزدیک و در حال متقارن شدن است، بگونه‌ای که ارتباط چهره به چهره عملاً تحقق یافته است. کتاب دوم، نوشته برژینسکی مسئول سابق شورای امنیت ملی ایالات متحده دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر بود. مفهوم جهانی شدن از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد متداول شد و در دهه ۱۹۹۰ ظهور و بروز عینی‌تری پیدا کرد. جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی سابق در تشدید روند جهانی شدن نقش اساسی داشت و زمینه‌های بسط و گسترش و وجه مختلف آنرا بیش از پیش فراهم ساخت (ایران‌زاده، ۱۳۸۰).

علل جهانی شدن

جهانی شدن پدیده‌ای است که نه تنها قلمروهای سیاسی و اقتصادی، که همچنین عرصه‌های فنی، فرهنگی و اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد. راجع به پیدایش جهانی شدن و علل تأثیرگذار بر آن، صاحب‌نظران زیادی بحث کرده‌اند. در این قسمت به نظریاتی اشاره می‌شود که دال بر علل پیدایش از بعد از جنگ جهانی دوم می‌باشد. "کومسا" (۱۳۷۸) معتقد است که پنج عامل در ظهور جهانی شدن دخیل بوده‌اند:

- رشد بازار مالی جهانی
- فروپاشی نظام سوسیالیستی و پایان جنگ سرد
- رشد فعالیت‌های شرکت‌های چند ملیتی
- انقلاب در تکنولوژی اطلاعات، ارتباطات و حمل و نقل
- بین‌المللی شدن مسایل زیست محیطی ("کومسا"، ۱۳۷۸)
- کاررونی، عوامل مؤثر بر جهانی شدن را چنین برشمرد:
- فروپاشی کشورهای سوسیالیستی سابق در شرق و مرکز آمریکا و در نتیجه یک قطبی شدن نظام اقتصاد جهانی یعنی اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد
- رشد بلوک‌های تجاری و منطقه‌گرایی نظیر اتحادیه اروپا، منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی و منطقه تجارت آزاد جنوب شرقی آسیا
- سازمان تجارت جهانی و اشاعه تجارت آزاد بین‌الملل از طریق از بین بردن موانع وارداتی غیرتعرفه‌ای و کاهش تعرفه گمرکی میان کشورهای عضو (قریب، ۱۳۸۰).
- افراخته جهانی شدن را متأثر از عوامل چند بعدی می‌داند:
- ۱- انتقال و قابلیت تجارت پول و سرمایه
- ۲- جریان آزاد خدمات
- ۳- شبکه ارتباطات جهانی
- ۴- جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
- ۵- جریان کالا، خدمات و مسافر (مجتهدزاده، ۱۳۸۰).

ابعاد و اثرات جهانی شدن

جهانی شدن دارای ابعاد مختلف و گوناگونی است. از نظر "مک گرو" جهانی شدن فرآیندی چند بعدی است که دارای ابعاد و جنبه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی است. همچنین جهانی شدن دارای اجزاء و عناصر مختلفی چون افراد، نهادها، واحدهای محلی، گروه‌های قومی، دولت - ملت و انواع کنشگران فراملی است (قریب، ۱۳۸۰).

قدر مسلم جهانی شدن تحولاتی را در جوامع ملی و بین‌المللی و حوزه‌های مختلف سبب گشته و ماهیت و کارکرد پدیده‌ها و حوزه‌های گوناگون را تغییر خواهد داد. در این قسمت به بررسی اثرات جهانی شدن بر حیطه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی با تأکید بر حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی بگونه‌ای حتی‌المقدور جامع، پرداخته می‌شود.

۱- اثرات جهانی شدن بر حوزه اقتصادی

اغلب نویسندگانی که تاکنون از جهانی شدن و تبعات آن بر جامعه و بویژه کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته سخن رانده و یا مقالاتی نگاشته‌اند، بیشتر به این مقوله پرداخته‌اند. این گروه از صاحب‌نظران در تعریف خود از جهانی شدن، به مواردی همچون ادغام بازارها و کالاها، افزایش رقابت، بهبود روشهای تولیدی، گسترش جریانهای مالی و... بعنوان اثرات آن اشاره کرده‌اند. شیوا (۱۳۸۰) در مقاله‌ای در روزنامه همشهری، اثرات جهانی شدن اقتصاد را در چهار مورد زیر خلاصه می‌کند.

زنان روستایی بعنوان تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، پرورش دهندگان مولدان آینده، مؤثر در تصمیم‌گیری خانواده، مدیران داخلی منزل و اعضای مؤثر در روند توسعه روستایی نقش و جایگاهی ویژه در فرآیند توسعه هر جامعه‌ای دارند.



جهانی شدن دارای طبیعتی سه گانه است. به دیگر سخن، جهانی شدن محدود به حوزه اقتصاد نبوده و تغییرات اجتماعی و سیاسی نظیر پذیرش عام دموکراسی و تکثرگرایی بعنوان نظام‌های سیاسی مطلوب و نیز حرکت بسوی آزادی بیشتر فردی و تصمیم‌گیری غیرمتمرکز را شامل می‌شود.



- ۱- گسترش روزافزون جریان‌های مالی
 - ۲- جهانی شدن محصول یا تولید
 - ۳- همگرایی و همسان شدن نهادها و سازمانها در کشورهای مختلف و
 - ۴- تحول در روش‌های تولید بواسطه ایجاد زمینه‌های رقابتی (شیوا، ۱۳۸۰).
- بشیریه (۱۳۸۰) نیز ابتدا به تعریفی از جهانی شدن و برشمردن ابعاد چهارگانه آن، اثرات آنرا بر حوزه اقتصادی اینگونه برمی‌شمرد: "جهانی شدن عناصر اصلی سیاست‌ها و فرآیندهای اقتصادی و مالی، از دست دادن کنترل دولت ملی بر اقتصاد ملی، افزایش قدرت شرکت‌های چند ملیتی و فراملی و گسترش بازارهای بین‌المللی است (بشیریه، ۱۳۸۰).

جهانی شدن فرآیندی چند بعدی است که دارای ابعاد و جنبه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی است. همچنین جهانی شدن دارای اجزاء و عناصر مختلفی چون افراد، نهادها، واحدهای محلی، گروه‌های قومی، دولت - ملت و انواع کنشگران فراملی است .

۲- اثرات جهانی شدن بر حوزه سیاسی
چپ‌گرایان بر این باورند که قدرت اقتصادی اقلیت‌ها در داخل جامعه از یکسو و قدرت اقتصادی شرکت‌های چند ملیتی از سوی دیگر، دخالت و قدرت آنها را در جریان امور سیاسی افزایش می‌دهد (مجتهدزاده، ۱۳۸۰). بشیریه در این رابطه معتقد است که: "از لحاظ دانش جامعه‌شناسی سیاسی، نکته مهم اینست که بر اثر فرآیند جهانی شدن، حاکمیت ملی دولت‌ها عملاً دچار محدودیت‌هایی می‌شود، بنحویکه حکومت‌های ملی دیگر نمی‌توانند همچون گذشته از خودمختاری لازم برخوردار باشند، هرچند که از لحاظ حقوقی و صوری، مرجع نهایی اقتدار در قلمرو خود محسوب می‌شوند" (۱۳۸۰).

۳- اثرات جهانی شدن بر حوزه اجتماعی
راست‌گرایان استدلال می‌کنند که در نظام اقتصادی بازار آزاد و عصر جهانی شدن، آزادی سرمایه‌گذاری و تلاش‌های اقتصادی و گسترش درآمد در سطح جامعه، قدرت تصمیم‌گیری اجتماعی افراد را افزایش داده و این امر به دموکراسی در جامعه توان بیشتری خواهد بخشید. ایندسته از افراد ادامه می‌دهند که جهانی شدن رسانه‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی و گسترش دسترسی آزاد به اطلاعات و آگاهی‌ها، امکان اندیشیدن در ورای محدوده‌های تحت کنترل دولتی را بیشتر می‌کند، حال آنکه بیشتر اندیشیدن خود به گسترش و ژرف شدن دموکراسی کمک خواهد کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۰).

چپ‌گرایان به مخالفت با دیدگاه فوق برخاسته و دو دلیل برای این مخالفت خود اقامه می‌کنند:
۱- نظام اقتصادی نو سبب تمرکز سرمایه نزد گروه اندکی از افراد در جامعه شده و این امر اساس دموکراسی را متزلزل خواهد کرد و از آنجا که قدرت مالی، قدرت سیاسی را به همراه خواهد داشت، توانمندان جامعه بر ناتوانان چیرگی بیشتر خواهد یافت و این امر به استفاده نادرست از اهرم دموکراسی خواهد انجامید.

۲- شرکت‌های چند ملیتی مرزها و حاکمیت‌های ملی را در می‌نوردند، در برابر هیچ کس و هیچ قانونی و در برابر هیچ یک از موازین اخلاقی و اجتماعی در جوامع گوناگون مسئولیت نخواهد داشت. این نبود کنترل در مورد تلاش‌های اقتصادی این شرکت‌ها، دخالت آنها را در مسایل سیاسی تشویق خواهد کرد. از طرفی از آنجا که خود آنها واضع قوانین و مقرراتی به منظور نظم بخشیدن به امورشان هستند، این قوانین و مقررات به نفع آنها خواهد بود. در نتیجه، زیان‌های اخلاقی، اجتماعی و محیطی به بار خواهند آورد (مجتهدزاده، ۱۳۸۰).

"سن" بر این باور است که جهانی شدن با برتر قرار دادن دستیابی ثروت مادی در مقابل ارزشهای انسانی و معنوی، عدم توازن بین نیازهای گوناگون انسانی را تقویت می‌کند و از این راه به خشونت، از خودبیگانگی و یأس دامن می‌زند و موجب ایجاد تعارض و خشونت می‌شود. از طرفی، به ایجاد یا تقویت نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی در زمینه‌های جنسیت، نژاد، پایگاه اجتماعی و طبقه منجر می‌شود (کومسا، ۱۳۸۰).

۴- اثرات جهانی شدن بر حوزه فرهنگی

بارزترین پدیده جهانی شدن، انقلاب اطلاع‌رسانی است. مجتهدزاده (۱۳۸۰) با بیان این مطلب، بر این باور است که از آنجا که ایالات متحده، سکوی پرتاب موشک جهانی شدن کنونی است، زبان آمریکایی، فرهنگ آمریکایی، مفاهیم آمریکایی بدنه فرهنگی و تمدن این جهانی شدن را شکل می‌دهد.

بعبارت دیگر، جهانی شدن کنونی بار عظیمی از آمریکایی شدن به همراه دارد. این دگرگونی بنیادی در جهانی ژئوپولیتیک، هویت‌ها و استقلال فرهنگی - هویتی همه ملت‌ها را به چالش می‌گیرد. از سوی دیگر، همین چالش، خود بازگشت به هویت ملی و استقلال‌خواهی را در سراسر جهان تحریک می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۰).



۱۳۸۰). بشیریه (۱۳۸۰) اثرات جهانی شدن بر حوزه فرهنگ را از اثرات جهانی شدن بر حوزه فنی و تکنولوژیک جدا کرده است. لیکن می‌توان اثرات فرهنگی آنرا این چنین برشمرد. تکنولوژی اطلاعاتی، تحول در کیفیت و کمیت اطلاعات قابل دسترس، پیدایش تکنولوژی ماهواره‌ای، ظهور رسانه‌های الکترونیکی در سطح جهان، تسریع انجام مرادوات و بازرگانی بین‌المللی، وقوع انقلاب صنعتی سوم (انقلاب مصرف، در مقابل انقلاب صنعتی اول یعنی انقلاب تولید و انقلاب صنعتی دوم یعنی انقلاب توزیع)، عصر سیبرنتیک و بالاخره پیدایش دهکده‌های جهانی الکترونیکی (بشیریه، ۱۳۸۰).

بطور خلاصه، در نتیجه انقلاب تکنولوژیک و گسترش رسانه‌های جمعی فراتر از مرزهای ملی و منطقه‌ای، همه کشورها نمی‌توانند بطور برابر در فرهنگ جهانی مشارکت نمایند و از آن بهره‌برند، خاصه کشورهای جهان سوم که فاقد منابع لازم برای انجام این کارند.

وضعیت زنان در روند جهانی شدن

اگرچه برنامه‌های مختلفی از سوی سازمانهای جهانی برای تواناسازی زنان دنبال می‌شود و هدف آن تخصیص منابع بیشتر برای توزیع و دسترسی عادلانه‌تر امکانات است و نقش‌های جنسیتی را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد، با این وصف در فرآیند جهانی شدن توجه به تمایز جنسیتی از جنبه نقش‌ها و خصوصیات و ویژگی‌های زنان کمتر جای بحث پیدا می‌کند. اگرچه در جلب مشارکت ایشان، زنان نیز با نسبت‌های مشابه مردان، عهده‌دار مسئولیت هستند، لکن در زمان تقسیم منافع حاصل از کار در این فرآیند، مردان از سهم بیشتری بهره‌مند می‌شوند. چنانچه سهم فعالیت زنان را با ارائه آمار در دهه‌های گذشته بخصوص در برنامه‌های توسعه و موضوع جنسیت در این روند بررسی کنیم، ارزیابی آن قدری سهل‌تر می‌شود.

اگرچه سازمان ملل متحد (UN) ۲، دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را دهه‌های توسعه اعلام کرده است، لیکن در آغاز دهه ۱۹۸۰ با آمارهای نه چندان مطلوبی در خصوص فعالیت زنان روبرو هستیم:

- زنان حدود ۱۰ درصد درآمد جهانی را بدست می‌آورند،
- دو سوم بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند،
- زنان کمتر از یک درصد دارایی جهان را در اختیار دارند،
- ۶۷ درصد ساعات کار جهانی به زنان تعلق دارد.

در استنتاجی که سازمان ملل در سال ۱۹۸۵ از گزارشهای جمع‌آوری شده به مناسبت دهه زن (۱۹۸۵-۱۹۷۶) بعمل آورده است، یافته‌های زیرین مورد تأکید قرار گرفته‌اند:

- تقریباً همه کارهایی که در محیط خانه صورت می‌گیرد، بوسیله زنان انجام می‌پذیرد و اگر کارهای خارج از منزل را نیز به آن بیافزاییم می‌توان نتیجه گرفت که اکثر زنان در یک روز، باندازه دو روز کار می‌کنند.
- زنان یک سوم نیروی کار رسمی جهان را تشکیل می‌دهند، اما در کارهایی اشتغال دارند که پائین‌ترین مزد به آن پرداخت می‌شود و بیش از مردان نسبت به بیکاری آسیب‌پذیرند، از آن گذشته در ازای کار مشابهی که زنان و مردان انجام می‌دهند، زنان سه چهارم مردان مزد دریافت می‌کنند.
- زنان نیمی از مواد غذایی جهانی را تولید می‌کنند، اما بندرت مالک زمینی هستند و همچنین بسختی می‌توانند وامی دریافت کنند و علاوه بر این در طرح‌ها و پروژه‌های کشاورزی نیز مورد غفلت واقع می‌شوند.
- مراقبت‌های بهداشتی که زنان برای خانواده خود اعمال می‌کنند بیشتر از خدماتی است که از سوی جامعه برای خانواده ارائه می‌گردد. بر این اساس زنان در زمینه اولویت پیشگیری از بیماریها، بر ملاوا و بهبود وضعیت بهداشتی خانواده خود پیشگام بوده‌اند.

- نسبت بی‌سوادی زنان به مردان در جهان همچنان سه به دو باقی مانده است، اما در همان حال آمار ثبت نام مدارس نشان می‌دهد که فاصله موجود بین آموزش دختران و پسران بتدریج کاهش می‌پذیرد و از بین می‌رود.

- اگرچه نود درصد کشورهای جهان دارای تشکیلاتی برای پیشرفت پایگاه اجتماعی زنان هستند، با این وجود زنان بعلت آموزش کمتر و عدم اعتماد به نفس و کار و مسئولیت سنگین‌تر در سطوح مختلف تصمیم‌گیری در کشور کمتر حضور دارند. از زمان تصویب استراتژیهای آینده‌نگر ناپرویی در سال ۱۹۸۵ برای پیشرفت زنان تا سال ۲۰۰۰، تغییرات و تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عمده‌ای که اثرات مثبت و منفی بر زنان داشته، رخ نموده‌اند (شورای فرهنگی اجتماعی زنان).

در حوزه سیاسی، زنان هنوز در شرایط و درگیری‌های مسلحانه و غیرمسلحانه مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرند. هرچه زنان در تصمیم‌گیری سیاسی و قطعنامه‌های جنگی بیشتر کنار گذاشته شوند، آسیب‌پذیری ایشان بیشتر افزایش خواهد یافت.

در کشورهایی که در حال انتقال از برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصادهای بازار هستند، زنان از بیکاری ناشی از توقف فعالیت سرمایه‌گذارهای دولتی و کاهش شدید سوبسید (یارانه) دولتی از خدمات آموزشی، بهداشتی و رفاهی بیشتری ضربه را دیده‌اند. حتی جایی که مشارکت زنان در نیروی کار افزایش یافته است، این امر در حد زیادی بصورت‌های نامنظمی از اشتغال با حقوق رسمی، کارهای قابل انجام در خانه و کارهای پاره وقت بوده است. پیشرفت‌های سریع در تکنولوژی، گروههای خاص زنان را به اشکال مختلف متأثر می‌سازند. پیشرفت در تکنولوژی بصورت کلی کارایی نیروی کار را افزایش می‌دهد و باعث درآمد بیشتر و رشد اقتصادی می‌گردد. البته تأثیر مثبت تکنولوژی بر زنان احتمالاً برای آنانی خواهد بود که دارای سطح بالاتری از مهارت و آموزش می‌باشند. گسترش صنایع در عرصه‌های جهانی و عملکرد شرکت‌های بزرگ چند ملیتی در قالب صنایع و تکنولوژیهای



از لحاظ دانش جامعه‌شناسی سیاسی، نکته مهم اینست که بر اثر فرآیند جهانی شدن، حاکمیت ملی دولت‌ها عملاً دچار محدودیت‌هایی می‌شود، بنحویکه حکومت‌های ملی دیگر نمی‌توانند همچون گذشته از خودمختاری لازم برخوردار باشند، هرچند که از لحاظ حقوقی و صوری، مرجع نهایی اقتدار در قلمرو خود محسوب می‌شوند.



نظام اقتصادی نو سبب تمرکز سرمایه نزد گروه اندکی از افراد در جامعه شده و این امر اساس دموکراسی را متزلزل خواهد کرد و از آنجا که قدرت مالی، قدرت سیاسی را به همراه خواهد داشت، توانمندان جامعه بر ناتوانان چیرگی بیشتر خواهد یافت و این امر به استفاده نادرست از اهرم دموکراسی خواهد انجامید.



از آنجا که ایالات متحده، سکوی پرتاب موشک جهانی شدن کنونی است، زبان آمریکایی، فرهنگ آمریکایی، مفاهیم آمریکایی بدنه فرهنگی و تمدن این جهانی شدن را شکل می دهد.

جدید برای حصول درآمد بیشتر و همسان سازی و مشابه سازی در تولیدات با ایده ها و الگوهای واحد، احتمالاً بیشترین اثر منفی را بر زنان خواهد گذاشت. خصوصی سازی در اقتصادهای در حال انتقال نیز موجب ایجاد بیکاری گردیده است و زنان خانه دار با نبود فرصت های شغلی روبرو گشته اند.

اصول کلی ارائه خدمات اجتماعی باعث گردیده که گروه هایی از زنان که از انواع خاصی از آسیب پذیرها مانند کهولت سن، بیماری، معلولیت و یا فقر حاد رنج می برند، در معرض طرد شدن از سوی جهان قرار گیرند. تغییرات اجتماعی با تغییرات عمده ای در روابط بین زن و مرد همراه بوده است، بخصوص در جوامعی که در آنها پیشرفت های عمده ای در آموزش زنان و افزایش قابل توجهی در مشارکت آنان جهت کسب درآمد بچشم می خورد. مرزهای تقسیم کار مبتنی بر جنسیت، بین نقش تولیدکننده و بارآور، با ورود زنان به زمینه های شغلی که مردان سابقاً آنرا اشغال کرده بودند، تدریجاً شکسته می شود. اگرچه تغییر در نقش زنان، بیشتر و سریعتر از نقش مردان بوده است، لیکن حالات و ارزشهای مربوط به نقش جنسیتی، غالباً هم در میان زنان و هم در میان مردان خیلی کم تغییر کرده اند (همان).

همه نکاتی که ذکر شد نشانگر دستاوردهای مهم در خصوص موقعیت و جایگاه زنان در روند تغییرات ملی، منطقه ای و جهانی است و این در حالیست که هنوز تفاوت های از پیش حک شده میان زنان و مردان در اذهان پاک نشده و شاخص های مطلق موقعیت زنان و توسعه منابع انسانی در کشورهای مختلف بخصوص در کشورهای در حال توسعه هنوز در سطح پائینی باقی مانده است. از بعد فرهنگی نیز صاحب نظران معتقدند که درگیریهایی آینده بوسیله عوامل فرهنگی شعله ور می شود نه عوامل اقتصادی یا ایدئولوژیک؛ همین نکته اهمیت بعد فرهنگی را نشان می دهد. در این بعد که حوزه های وسیعی از باورهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد، زمینه های فرهنگی از طریق تحولات تکنولوژیک و رسانه ای به تقویت آگاهی ها و باورها در عرصه های جهانی می پردازد و به واسطه آن نوعی آگاهی جهانی ایجاد می شود. امروزه همین آگاهی جهانی باعث شده است بسیاری از ملت ها، از رسانه های تصویری مشابه استفاده کنند و به همین دلیل، آموزشهای آنها تقریباً شبیه به هم است، از نوعی گفتگو بین فرهنگ ها شکل می گیرد و در این مسیر، زنان با استفاده از همین آگاهی مشترک، دارای ایده های مشترک، الگوهای رفتاری و عملی مشترک، شیوه های واحد گرایش به حد و پوشش تغذیه، باروری، سوادآموزی و... خواهند شد. در بستر همین آگاهی فرهنگی نسبت به مشترکات تمدنی و ملت ها، می توان از جهانی گرایی سیاسی نیز یاد کرد که درصدد یافتن راه حل های همگانی و جهانی از طریق سازمان های بین المللی و قوانین جهانی است که بتواند به شکل گیری یک جامعه مدنی جهانی کمک کند.

لازم به ذکر است که در عرصه فرهنگی به لحاظ افزایش سطح آموزش و سوادآموزی زنان در دو دهه گذشته بخصوص در سالهای اخیر تغییرات بسیاری رخ داده است. درصد دختران و زنانی که در مدارس ابتدایی و متوسطه و نیز در برنامه های تحصیلات تکمیلی ثبت نام کرده اند، بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ یک درصد افزایش نشان می دهد. لیکن علیرغم کاهش نسبت زنان بی سواد از ۴۶/۵ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۳/۶ درصد در سال ۱۹۹۰، هنوز دو سوم بی سوادان جهان را زنان تشکیل می دهند و آهنگ باسواد شدن آنها کندتر از مردان است. معذک، چشم انداز سواد بیشتر مطلوب است. سازمان علمی و فرهنگی آموزش ملل متحد (یونسکو) آمار بی سوادان زن را در سال ۲۰۰۰، حدود ۲۹ درصد اعلام کرده است و البته این امر مدیون تلاشهای دولت ها و گروه های زنان برای یافتن راه های تازه افزایش سواد زنان است. نرخ بی سوادی در میان زنان جوان در حال کاهش است، ولی باز هم بسیار بالاتر از نرخ بی سوادی مردان است. هنوز بیش از ۴۰ درصد زنان جوان در آفریقا و آسیای جنوبی و غربی بی سوادند. آنچه که در بخش پایانی این مطلب باید بدان اشاره نمود اینست که اگرچه تغییرات وسیعی در روند جهانی شدن بخصوص در مورد موفقیت زنان حادث شده و خواهد شد، با این وصف امروز زنان کمتر به عنوان بهره برداران منفعل از رشد اقتصادی و اجتماعی و توسعه سیاسی شناخته می شوند (همان).

وضعیت زنان در روند جهانی شدن بصورت کلی و مختصراً معرفی و بررسی گردید. اکنون جا دارد که بصورت دقیقی به بررسی موقعیت زنان روستایی در فرایند جهانی شدن، محدودیت های پیش روی آنان و تأثیرات جهانی شدن بر زنان روستایی در روند جهانی شدن پرداخته شود.

موقعیت زنان روستایی در بستر جهانی شدن

در ارتباط با موقعیت زنان روستایی در بستر جهانی شدن اصول زیر قابل بررسی است:

- الف) جهانی شدن فرآیندی است که تأثیرات متفاوتی - اعم از مثبت و منفی - بر زنان روستایی دارد.
- ب) توانایی و ظرفیت های زنان در نقاط مختلف دنیا با همدیگر متفاوت است.
- ج) موقعیت زنان روستایی از لحاظ دسترسی به منابع و فرصت های اشتغال کاملاً متنوع می باشد.
- د) تأثیر جهانی شدن بر زنان روستایی بایستی در شرایط زیر مدنظر قرار بگیرد:

۱. منافع و محدودیت های کوتاه مدت و دراز مدت زنان روستایی در جریان جهانی شدن؛

۲. افزایش فرصت های انتخاب، محدودیت ها و چالش هایی که زنان روستایی با آن مواجه می شوند؛

۳. بافت محلی موجود، اختلافات گروهی و قومی و تفاوت های منطقه ای (United Nations, 2001).

چارچوب مفهومی برای تجزیه و تحلیل موقعیت زنان روستایی در بستر جهانی شدن

بی شک در حال حاضر اشکنتگی های بسیاری در دنیا از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داده است. اثرات جهانی شدن در دنیای حاضر اکثر کشورها را دربر گرفته است. جهانی شدن در حال تقویت کردن و



جاودانه ساختن روابط نابرابر قدرت و درآمد بین جهان اول و سوم می‌باشد. جهانی شدن همچنین بارقه‌ای از یک انقلاب را در زمینه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) ایجاد می‌نماید.

بعنوان مثال در حال حاضر در کشور هند اثرات جهانی شدن بخوبی احساس می‌شود. علائم و نشانه‌هایی از حاشیه‌سازی قسمتهای وسیعی از جمعیت هند از نظر افزایش اختلاف درآمد، امکانات و تسهیلات در زمینه مراقبت‌های بهداشتی و دیگر شاخص‌های بهبود وضعیت مردم بطور روزافزونی مشاهده می‌گردد. فائق آمدن بر این فرآیند - حاشیه‌سازی افراد ضعیف و ناتوان - نیاز به تلاشهای هماهنگ در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی دارد. نظام‌های آموزشی رسمی هنوز هم برای پاسخ به رقابت‌های جهانی شدن با کمبود امکانات و تجهیزات، مواجه‌اند. هنوز هم انبوهی از مردان - بعنوان والدین، کارگران و شهروندان - آمادگی لازم را برای شرکت در جامعه جهانی ندارند. بمنظور جلوگیری از اثرات ویرانگر جهانی شدن، بایستی به نیازهای یادگیری آنها توجهی هماهنگ و منسجم داشت. همچنین بجای تسلیم شدن در مقابل هجوم و حمله تکنولوژیهای اطلاعاتی - ارتباطی، بایستی برای زنان روستایی فضاهای یادگیری را ایجاد نمایم تا بدان وسیله بتوانند تغییراتی را که در اطرافشان بوجود می‌آید بهتر درک نمایند و نسبت به آنها واکنش منتقدانه نشان دهند و در این راستا رهیافتهای جدیدی را ارائه و توسعه بدهند که در زندگی شخصی خود و نسلهای آینده تغییر و تحولات مثبتی ایجاد گردد (Dighc, 2002).

جهانی شدن پدیده‌ای است چند بعدی، متشکل از تجارت آزاد، تحرک بیشتر سرمایه، افزایش جریان‌های مالی و تغییرات در تقاضاهای بازار کار، تغییرات در فرآیند تولید، تغییرات در نقش و عملکرد دولت، توزیع و اشاعه سریع انگاره‌های تولید و مصرف، اشاعه بیشتر اطلاعات و تکنولوژیها، اشکال جدید دولتی کردن مقررات و ظهور جامعه شهری مدنی از دیگر تبعات جهانی شدن می‌باشند. توسعه روستایی در بستر جهانی شدن تحت تاثیر شدید تجاری‌سازی و صنعتی کردن کشاورزی، تاثیر روزافزون سیاسی - اقتصادی شرکت‌های چند ملیتی، بسط و توسعه تجارت کشاورزی و ظهور زنجیره کالاهای جهانی می‌باشد. افزایش خصوصی‌سازی منابع و خدمات، آزادسازی تجارت و بازارهای غذایی و سایر محصولات کشاورزی، تشدید جنبش‌های کاری بین‌المللی و داخلی و استفاده سریع‌تر از تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطی از جمله دیگر عواملی هستند که بر جوامع روستایی، علی‌الخصوص زنان روستایی اثرگذار می‌باشد.

معاش خانوار و زنان روستایی در بستر جهانی شدن از لحاظ دسترسی به منابع و فرصت‌های اشتغال متفاوت می‌باشد و این تفاوت و نابرابری نه تنها در میان زنان روستایی بچشم می‌خورد بلکه در میان مردان و زنان تفاوت‌ها و نابرابری‌ها به مراتب چشمگیرتر می‌شوند. لذا می‌توان گفت منافع حاصله از جهانی شدن کماکان بر

پایه هنجارهای جنسیتی است. تغییرات حاضر بر زنان روستایی تأثیرات شگرفی دارد. فرصتهایی که در جریان جهانی شدن بوجود آمده‌اند بر موقعیت زنان روستایی تا حدودی سودمند بوده ولی این امر خود منجر به محرومیت اجتماعی و در حاشیه قرار دادن زنان روستایی در مقایسه با مردان شده است، یکی از جنبه‌های مثبت جهانی شدن، ایجاد فرصت‌های اشتغال می‌باشد که این امر بر زنان روستایی اثر بالقوه‌ای دارد چراکه عزت نفس، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری آنها را افزایش می‌دهد و در مجموع سبب توانمندسازی زنان می‌گردد. از سوی دیگر تصور این مطلب که زنان روستایی تنها از طریق تغییر و تحولات بخش کشاورزی تأثیر می‌پذیرند بسیار ساده‌لوحانه بنظر می‌رسد چراکه تأثیرات جهانی شدن بر بخش صنعت، اگر بیشتر از تأثیرگذاری آن بر بخش کشاورزی نباشد به یقین کمتر هم نمی‌باشد. از اینرو نه تنها از لحاظ دسترسی به منابع بین زنان در بخش کشاورزی و صنعت تفاوت وجود دارد، بلکه این تنوع حتی در میان زنان روستایی بچشم می‌خورد چراکه زنان روستایی همه مناطق بطور یکسان تحت تأثیر جهانی شدن قرار نمی‌گیرند (همان).

نکته دیگری که بایست بدان اشاره نمود، تأثیر جهانی شدن بر انگاره‌های تصمیم‌گیری زنان روستایی است. زنان روستایی که تا دیروز، تصمیم‌گیری‌های آنها بیشتر سنتی و خطی بود امروزه بواسطه جهانی شدن با اطلاعات زیادی مواجه می‌شوند که این امر آگاهی و بینش لازم را پیرامون محیط خود برای آنها به همراه دارد و سبب تنوع در گزینه‌های تصمیم‌گیری آنها می‌شود. بعبارت دیگر انگاره تصمیم‌گیری آنها از حالت خطی و سنتی خارج شده و به شکل مدرن و سیستماتیک ظهور پیدا می‌کند.

در عصر جهانی شدن، زنان روستایی بواسطه ارتباطات بیشتر با بصیرت و آگاهی بیشتری نسبت به انجام امور می‌پردازند، لذا مسایل بهداشتی و پیشگیری از بیماریها و مسایل سوء تغذیه صحیح را بهتر درک می‌کنند و در نتیجه نسبت به ضرورت اجرای طرح‌های کنترل موالید برخوردار فعالتری داشته و بدین ترتیب در پیشبرد اهداف

علیرغم کاهش نسبت زنان بی‌سواد از ۴۶/۵ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۳/۶ درصد در سال ۱۹۹۰، هنوز دو سوم بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند و آهنگ باسواد شدن آنها کندتر از مردان است.



زنان حدود ۱۰ درصد درآمد جهانی را بدست می‌آورند، دو سوم بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند، زنان کمتر از یک درصد دارایی جهان را در اختیار دارند، ۶۷ درصد ساعات کار جهانی به زنان تعلق دارد.

مشارکت می‌جویند (United Nations, 2001).

تأثیرات جهانی شدن بر زنان روستایی

تأثیرات جهانی شدن بسیار وسیع و جهان‌شمول می‌باشد بگونه‌ای که اثرات آن بر چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهترین دلیل بر این مدعا است. از اینرو وضعیت زنان روستایی در بستر جهانی شدن از این امر مستثنی نمی‌باشد. جهانی شدن بر زنان روستایی در تمامی ابعاد و حوزه‌ها در حال اثرگذاری است. قبل از اینکه به این تأثیرات اشاره بشود لازم به ذکر یک نکته است و آن اینکه در نحوه اثرگذاری تغییرات جهانی شدن بر زنان روستایی دو عامل نقش کلیدی دارند. یکی نقشی است که زنان روستایی در تولید محصولات سنتی / معیشتی ایفا می‌کنند و دیگری حد و اندازه‌ای است که این دسته از زنان می‌توانند از فعالیت‌های جدید و متنوع حاصل از جهانی شدن سود ببرند. تغییرات جاری منجر به تأثیرات پیچیده‌ای بر زنان روستایی شده است. فرصت‌های جدید بوجود آمده توسط فرآیند جهانی شدن بر بعضی از جنبه‌های زنان روستایی مفید بوده است ولی از سوی دیگر محرومیت اجتماعی و حاشیه‌سازی را نیز به همراه داشته است. درک چگونگی تأثیرگذاری این عوامل مهم است و اینکه بتوانیم تأثیرات نامطلوب جهانی شدن را بر زنان روستایی به کمترین سطح ممکن کاهش بدهیم.

در زیر به برخی از مهم‌ترین تأثیرات جهانی شدن بر زنان روستایی پرداخته می‌شود:

۱. در بستر جهانی شدن، زنان روستایی علاوه بر رویارویی با شرایط و محدودیت‌های منفی، با فرصت‌های جدیدی نیز مواجه می‌شوند.

۲. در فرآیند جهانی شدن، تغییرات جاری بر توانمندسازی زنان روستایی تأثیر بالقوه‌ای دارد. از اینرو خودمختاری، عزت نفس، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری آنها را افزایش می‌دهد. این چنین فرآیندی به ضعف کردن ارزش‌های جنسیتی و پیشبرد برابری جنسیتی کمک می‌کند.

۳. جهانی شدن در حال تأثیرگذاری بر جنبه‌های زنان روستایی است که این امر نه تنها از طریق تأثیر بر فعالیت‌های کشاورزی است بلکه از طریق صنعت نیز انجام می‌پذیرد.

۴. جهانی شدن که مستلزم تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی است، تأثیر بسزایی در انگاره‌های تصمیم‌گیری زنان روستایی دارد، بگونه‌ای انگاره‌های خطی و سنتی آنها را به مدرن و سیستمیک تبدیل می‌کند.

۵. فرآیند جهانی شدن با گسترش نقش بخش خصوصی و افزایش تمرکززدایی در تصمیم‌گیری‌ها، منجر به خلق فرصت‌هایی جهت ایفای نقش فعالتر زنان روستایی شده است.

۶. جهانی شدن با نیروی کار زنان روستایی در آمیخته شده است. چراکه سهم زنان روستایی در اشتغال در سرتاسر جهان افزایش یافته است. این امر بیشتر در نتیجه جنبش نیروی کار زنان از بخش معیشتی کشاورزی به بخش اقتصاد کشاورزی بوده است.

۷. زنان روستایی در روند جهانی شدن بمراتب بیشتر از مردان تحت تأثیر شرایط متغیر اقتصادی قرار می‌گیرند چراکه زنان روستایی در مقایسه با مردان از لحاظ دسترسی به خدمات آموزشی و اطلاعاتی در محرومیت بسر می‌برند.

۸. با تلفیق روزافزون بازارها، اکثر زنان روستایی نمی‌توانند منحصراً متکی به کشاورزی سنتی باشند و می‌بایستی منابع درآمدشان را متنوع بسازند. از اینرو، جهانی شدن توأم با انواع تغییرات در منابع درآمدی زنان روستایی می‌باشد.

۹. گرچه اشتغال زنان روستایی فزونی یافته است، اما غالباً این اشتغال با شرایط کاری ضعیف، حقوق پایین و عدم امنیت شغلی درآمخته شده است. بعلاوه، مشارکت روزافزون زنان در نیروی کار مزدبگیری، توزیع نابرابر مسئولیت‌های خانگی را کاهش داده است (United Nations, 2001).

۱۰. زنان روستایی در بستر جهانی شدن اطلاعات بیشتر و دقیقتری می‌گیرند چراکه جهانی شدن توأم با پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیکی در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) می‌باشد.

۱۱. در جریان جهانی شدن بدلیل در هم نوردیده شدن مرزهای اطلاعاتی و پیشرفتهای تکنولوژیکی، تصمیم‌گیریهایی زنان روستایی، صحیح‌تر و از پشتوانه محکم‌تری برخوردار می‌باشد. از سوی دیگر از آنجاییکه این پدیده توأم با ایجاد فرصت‌های اشتغال و به تبع آن کسب سود مالی و اقتصادی می‌باشد، بنابراین ضمانت بیشتری در اخذ و اجرای تصمیمات آنها بچشم می‌خورد.

۱۲. جهانی شدن باعث بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی ماهر و آگاه می‌گردد. چراکه این پدیده توأم با هرچه پیشرفته شدن تکنولوژی و افزایش کارایی نیروی زن روستایی است.

۱۳. جهانی شدن بدلیل گسترش صنایع بزرگ چه در بخش کشاورزی و چه در بخش صنعت، منجر به از بین رفتن صنایع کوچک شده که این امر خود زمینه‌ساز در حاشیه قرار دادن زنان روستایی در بستر توسعه می‌گردد (Robert, 2002).



زنان روستایی در روند جهانی شدن بمراتب بیشتر از مردان تحت تأثیر شرایط متغیر اقتصادی قرار می‌گیرند چراکه زنان روستایی در مقایسه با مردان از لحاظ دسترسی به خدمات آموزشی و اطلاعاتی در محرومیت بسر می‌برند.



توسعه روستایی در بستر جهانی شدن تحت تأثیر شدید تجاری‌سازی و صنعتی کردن کشاورزی، تأثیر روزافزون سیاسی - اقتصادی شرکت‌های چند ملیتی، بسط و توسعه تجارت کشاورزی و ظهور زنجیره کالاهای جهانی می‌باشد.



۱۴. در عرصه جهانی شدن بدلیل رقابتهای شدید و گسترده، زنان روستایی مسن، بیمار، معلول و... در معرض طرد شدن قرار می گیرند.

۱۵. درست است که جهانی شدن منجر به خلق فرصتهای جدید و در نتیجه بهتر شدن وضعیت زنان روستایی و توانمندسازی آنان می گردد اما این منافع حاصله کماکان بر پایه هنجارهای جنسیتی قرار دارد، یعنی مبنای این تقسیم کم و بیش بر اساس مرد و زن بودن هر کدام از طرفین است.

۱۶. جهانی شدن باعث ایجاد فرصتهای اشتغال می شود چراکه منجر به عزت نفس، قدرت انتخاب و تصمیم گیریهای آنان و در مجموع توانمندسازی آنان می شود.

۱۷. جهانی شدن به مشارکت هرچه بیشتر زنان روستایی در تولید محصولات کشاورزی کمک می کند.

۱۸. جهانی شدن با افزایش آگاهی و اطلاعات زنان روستایی راجع به مسایل بهداشتی و پیشگیری از بیماریها و کنترل موالید، مشارکت بیشتر آنان را در فرآیند توسعه سبب می شود.

۱۹. در بستر جهانی شدن شکاف بین مشارکت نیروی کار و میزان اشتغال مرد و زن کاهش می یابد.

۲۰. میزان آسیب پذیری زنان نسبت به بهره کشی و اجحاف در این عرصه به کمترین مقدار ممکن می رسد.

۲۱. امنیت اقتصادی بیشتر، استقلال، حق انتخاب و برخورداری از فرصتها از دیگر راه آوردهای جهانی شدن برای زنان روستایی می باشد (Geferson, 2003).

۲۲. جهانی شدن به اشتراک زنان روستایی در مسؤلیتهای اجتماعی و اقتصادی با مردان و دولت کمک می کند.

۲۳. توانایی زن روستایی جهت بهبود بخشیدن به شرایط حیات خود و تأمین آینده فرزندانسان در بستر جهانی شدن بستر می گردد.

۲۴. در جریان جهانی شدن دست اندرکاران و طراحان امر توسعه روستایی بدلیل کسب اطلاعات بیشتر راجع به نیازها و مسایل زن روستایی، می توانند برنامه هایی متناسب با نیازهای زنان روستایی تدارک ببینند.

۲۵. جهانی شدن به بالا بردن آگاهی جامعه درباره نقش مهم زنان در کشاورزی کمک می کند.

۲۶. جهانی شدن مشوق زنان روستایی برای افزایش تولید محصولات صادراتی است. جنبه مثبت این قضیه این می باشد که بالا بردن تولیدات کشاورزی منجر به افزایش فرصتهای اشتغال و اخذ اعتبار می گردد. ولی از سوی دیگر این امر می تواند به مفهوم کم شدن وقت زنان و کاهش انرژی آنان برای کشت و تهیه مواد غذایی مورد نیاز خانواده می باشد.

۲۷. جهانی شدن به تشکیل سازمانهای توسعه اجتماعی در سطح محلی و تأسیس گروهها و انجمنهای کمک متقابل یا تعاونی کمک می کند. این امر خود منجر به ارتقا سطح دانش زنان در فرآیند تصمیم گیری می شود (Broocklan, 2003).

نتیجه گیری و پیشنهادها

بحث موقعیت و نقش زنان روستایی در توسعه روستایی و کشاورزی مقوله ای نو نیست و به کرات هر کدام از اندیشمندان توسعه روستایی به اهمیت این موضوع پرداخته اند، هرچند که زنان روستایی جایگاه واقعی خود را در این عرصه نیافته اند، ولی موقعیت زنان روستایی در بستر و روند جهانی شدن، مقوله ای جدید و جالب توجه است. زنان روستایی که تا دیروز در سرلوحه شعار توسعه منابع انسانی قرار داشتند امروز بار دیگر باب صحبت متخصصان روستایی شده اند ولی این بار در بستر جهانی شدن. برای تبیین واقعی موقعیت زنان روستایی در روند جهانی شدن،



گسترش صنایع در عرصه های جهانی و عملکرد شرکت های بزرگ چند ملیتی در قالب صنایع و تکنولوژیهای جدید برای حصول درآمد بیشتر و همسان سازی و مشابه سازی در تولیدات با ایده ها و الگوهای واحد، احتمالاً بیشترین اثر منفی را بر زنان خواهد گذاشت. خصوصی سازی در اقتصادهای در حال انتقال نیز موجب ایجاد بیکاری گردیده است و زنان خانه دار با نبود فرصت های شغلی روبرو گشته اند.



در عصر جهانی شدن، زنان روستایی بواسطه ارتباطات بیشتر با بصیرت و آگاهی بیشتری نسبت به انجام امور می پردازند، لذا مسایل بهداشتی و پیشگیری از بیماریها و مسایل سوء تغذیه صحیح را بهتر درک می کنند و در نتیجه نسبت به ضرورت اجرای طرح های کنترل موالید برخوردار فعالتری داشته و بدین ترتیب در پیشبرد اهداف مشارکت می جویند

نخست باید با فرآیند جهانی شدن، ابعاد و ویژگی های آن آشنا شد چراکه جهانی شدن بواسطه تأثیرات جهان شمول خود، تمامی مسایل را تحت تأثیر قرار می دهد. زنان روستایی چه بخواهند و چه نخواهند تحت تأثیر این جریان عظیم قرار می گیرند. پس شایسته تر اینست قبل از اینکه با محدودیت ها و چالش های عمده مواجه گردند برای آنان چاره های اندیشیده شود. بنظر می رسد که آماده سازی آنها در روند جهانی شدن بایستی با اعتقاد راستین به جایگاه والای زنان روستایی در توسعه روستایی کاملاً پیوند بخورد. در این راستا پیشنهاد می شود که:

۱. به منظور کاهش آسیب پذیری زنان روستایی در فرآیند جهانی شدن، یک نظام حمایتی مناسب را در راستای بقا و ماندگاری زنان روستای توسعه بدهیم.

۲. بمنظور نیل و حفاظت از منافع زنان روستایی که با جهانی شدن در آمیخته شده، ضروری است ملاحظاتی را طراحی کنیم که مهارت ها و ظرفیت های زنان روستایی را جهت مصون کردن آنها در یک محیط رقابتی برای امرار معاش بهبود ببخشند.

۳. جهت بهبود موقعیت زنان روستایی بایستی سیاست توانمندسازی زنان روستایی را مدنظر داشته باشیم، که این امر خود مستلزم طراحی و اجرای چارچوب سیاسی حساس به نظام های حمایتی - اجتماعی می باشد.

۴. یک نظام فناوری اطلاعاتی و ارتباطی را جهت آگاه ساختن هرچه بیشتر زنان از محیط پیرامونی خویش توسعه دهیم تا تصمیم گیری آنها بر پایه اطلاعات صحیح و درست باشد (Robert, 2002).

منابع و مأخذ:

۱. ایران زاده، سلیمان (۱۳۸۰). جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور.
۲. بشیریه، حسن (۱۳۸۰). روزنامه اطلاعات، سه شنبه، ۲ مرداد.
۳. شورای فرهنگی اجتماعی زنان. وضعیت زنان در روند جهانی شدن. مرکز اطلاعات و آمار زنان. www.jesonline.org
۴. شیوا، رضا (۱۳۸۰). روزنامه همشهری، دوشنبه، ۵ آذر.
۵. قریب، حسین (۱۳۸۰). جهانی شدن، چالش های امنیتی جمهوری اسلامی ایران. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور.
۶. کومسا، ا. (۱۳۷۸). جهانی شدن و منطقه گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره سوم و چهارم، آذرود.
۷. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴). بررسی جامعه شناختی نقش زنان در کشاورزی ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم.
۸. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰). جهان سیاسی در سالی که گذشت. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پانزدهم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت.
۹. مردانی گیوی، اسماعیل (۱۳۸۰). جهانی شدن: نظریه و رویکردها. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور.

10. Brooclenm, h.v.(2003). "Rural Women In The Context Of Globalization." co-operative and Globalization: An ILO perspective. ICA General Assembly Seoul 2001, October 16.

11. Dighe, Anita (2002). "Diversity in Education in an Era of Globalization." co-operative and Globalization: An ILO perspective". ICA General Assembly Seoul 2001, October 16.

12. Geférsson, Alex (2003). "Globalization and Rural Women." co-operative and Globalization: An ILO perspective". ICA General Assembly Seoul 2001, October 16.

13. Robert, Donny (2002). "Toward Globalization and Rural Women."

14. Schwettmann, Jurgen (2001). "co-operative and Globalization: An ILO perspective". ICA General Assembly Seoul 2001, October 16.

15. United Nations (2001). "Imorovement of the situations of women in rural areas". Report of the secratory-general, Fifty-sixth session, 31 july.

16. Wulker, Hans-Detlef and Graumann Matthias (2000). "co-operative and Globalization." Federal Repulic of Germany, Bonn.

پی نوشت ها:

- 1- Globalization
- 2- United Nations
- 3- Global Civil Society
- 4- Information Communication Technology